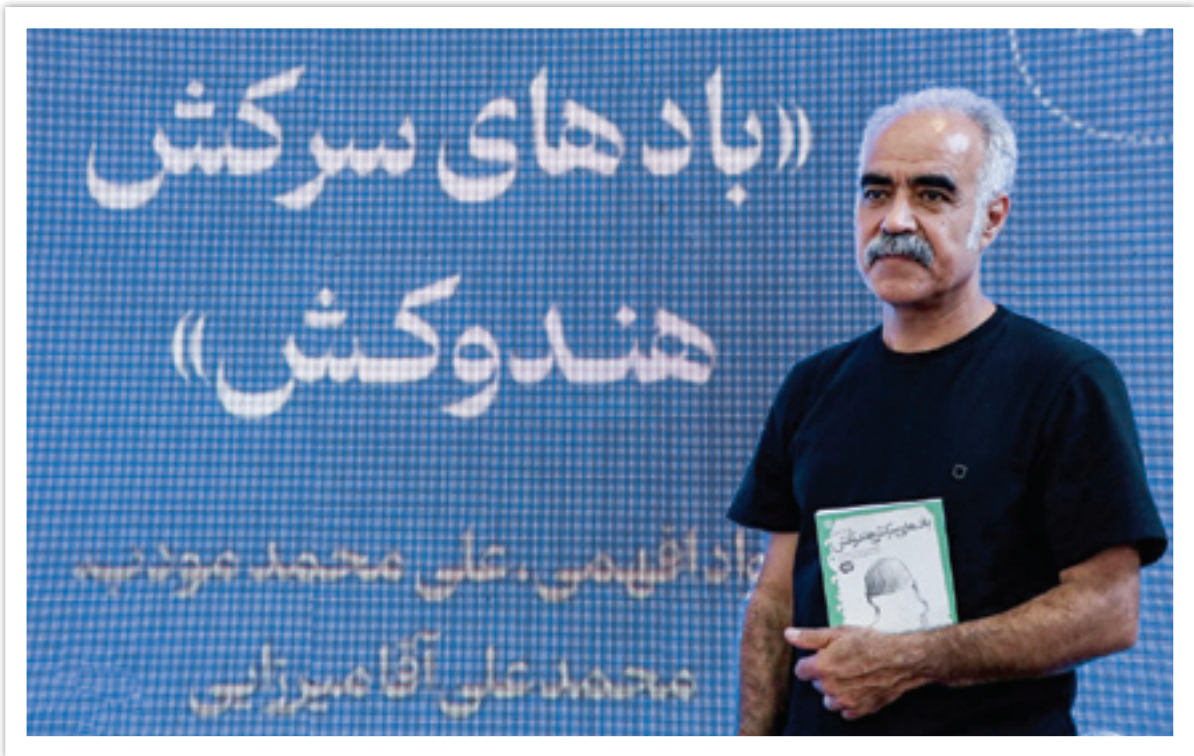


گفت‌وگوی «جوان» با جواد افهمی نویسنده کتاب «بادهای سرکش هندوکش» که به روایت زندگی شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) می‌پردازد

حسرت شیرین «ابوحامد» بودن برای مخاطب می‌ماند



جواد افهمی،نویسنده کتاب «بادهای سرکش هندوکش»

■ **صغری خیل فرهنگ**

کتاب دیگری از زندگی و مجاهدت‌های فرمانده و مؤسس لشکر فاطمیون به قلم جواد افهمی از سوی انتشارات «خط‌مقدم» روانه بازار نشر شد. این کتاب که اولین کتاب از مجموعه فرماندهان مقاومت این ناشر است، در ۴۸ فصل، زندگی شهید علیرضا توسلی را از تولد در روستایی در افغانستان تا شهادت او در سوریه به دست گروه‌های تکفیری به تصویر کشیده‌است. نویسنده برای روایت زندگی شهید ابوحامد به شهرهای مختلف کشور و نیز سور به سفر کرده، افراد زیادی را دیده و ساعت‌ها مصاحبه کرده‌است. ابوحامد در این کتاب به عنوان یک وطن‌دوست واقعی معرفی می‌شود. افهمی در این کتاب اما تنها به روحیه جهادی ابوحامد بسنده نکرده و در مصاحبه با همسر او و ذکر بخش‌هایی از دفترچه خاطرات که در تمام آن سال‌ها می‌نوشته، جنبه‌های دیگر شخصیت ابوحامد را برای خواننده شرح داده‌است. از رفتارش در خانه و جامعه‌گفته و تأکید کرده که توکل و امید، جزء جداناشدنی از اعتقادات او بوده‌است. انتشار کتاب «بادهای سرکش هندوکش» فرصتی فراهم کرد تا با جواد افهمی، نویسنده این کتاب هم‌کلام شویم.

■ **از ستاره‌های دب اصغر تا «بادهای سرکش هندوکش»**

جواد افهمی از ورودش به عرصه نویسندگی چنین می‌گوید: «گرچه نوشتن را از دوران جوانی به‌شکل پراکنده و دل‌نوشته آغاز کرده بودم اما فکر نوشتن حرفه‌ای و انتشار آثار در سن ۴۰ سالگی به ذهنم خطور کرد و تاکنون آثار متعددی از من منتشر شده‌است.»

او به آثاری که تاکنون به چاپ رسانده‌است اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حوزه رمان «ستاره‌های دب اصغر» را منتشر کردم که پیرامون گروه جوان انقلابی ابادز است. این گروه قبل از پیروزی انقلاب علیه دیکتاتوری شاه مبارزه کردند و همگی اعدام شدند. رمان «سوران سرد» در مورد جنگ علیه ضدانقلاب داخلی در منطقه کردستان است. رمان «خورشید بر ششاه راست‌نشان می‌تابد» به زندگی اشرف پهلوی و خیانت‌هایش می‌پردازد و البته یک داستان موازی هم دارد که به قوم بلوچ برمی‌گردد. رمان «سسال گرگ» به اقدامات سازمان منافقین به ویژه شخص تقی شپرام می‌پردازد. رمان «ملاقات در جنگل بلوط» موضوعش کودتای ۲۸ مرداد است. رمان «ششانه بر لوج» روایتی از زندگینامه شهید بابایی معاون عملیات نیروی هوایی ارتش در دوران دفاع مقدس است. رمان دیگری که در دست چاپ دارم «مربیهای برای فوعه» نام دارد که در مورد جنگ داخلی سوریه است. سه عنوان مستند و دو عنوان مجموعه داستان کوتاه هم تاکنون از من به چاپ رسیده‌است.

■ **ابوحامد سیال و سبک‌پار بود**

افهمی از انگیزه خود در پرداختن به زندگی شهید ابوحامد



ارتباط با ما ۸۸۵۲۶۲۶

«دعای گزافی است که بگویم من در یک متن ۵۰۰ صفحه‌ای توانستم همه‌ابعاد زندگی چهل واندی ساله و پرفراز و نشیب شهید توسلی و مجاهدت‌های این فرمانده لشکر فاطمیون و رزمنده سپاه محمد را به تصویر کشیده و حق مطلب را ادا کرده‌ام. روایت از شهید توسلی فراتر از یک مستند تألیفی یا تصویری یا یک فیلم سینمایی است. تا جایی که توانستم محدودیت‌ها و تنگ نظری‌ها و امکانات اجازه می‌داد تمام تلاش خود را کرده و سعی کردم در این مسیر کوتاهی نکنم. چیزی حدود هزارصفحه مطلب ویرایش شده و آماده چاپ تحویل ناشر دادم. مسئولان محترم انتشارات هم با توجه به حجم بالای کتاب و باز محدودیت‌های منطقی که برای چاپ یک کتاب با این حجم داشتند در نهایت ۵۰۰ صفحه را برای نشر و خوانش مخاطبان انتخاب کردند و این کتاب به این صورت که می‌بینید منتشر شده‌است.»



هر چه بیشتر درباره شهید علیرضا توسلی تحقیق می‌کردم شخصیتش بیشتر از قبل مرا مجذوب خودش می‌کرد. توسلی مردی بود که مثل باد سیال بود و هیچ جا بند نمی‌شد. هر جا که ندای حشق طلبانه‌ای بلند بود، این شهید و الا مقام خودش را را می‌رساناند. این سیالیت و این سبک‌پار بودن شهید، خیلی برای من جالب بود



ادعای گزافی است که بگویم من در یک مستند ۵۰۰ صفحه‌ای توانسته‌ام درباره چهل و اندی سال زندگی پرفراز و نشیب شهید توسلی و مجاهدت‌های فرمانده لشکر فاطمیون و رزمنده سپاه محمد حق مطلب را ادا کرده‌ام

خوبی تلاش کردم تا دوستان را متقاعد کنم که این لپ‌تاپ را در اختیار من بگذارند ولی به خرجشان نرفت که نرفت. یکی از مواردی که درباره زندگی شهید توسلی آه و افسوسی ماندگار برایم باقی گذاشت همین لپ‌تاپ و اطلاعات داخل آن است. مطمئنم که گنجینه‌ای از اطلاعات زندگی شهید در آن است و واقعا حیف شد.

■ **از تجربه «خاتون و قوماندان» بهره‌بردم**

افهمی خودش را از نسل جنگ معرفی می‌کند و می‌گوید: «حقیقت این است که از نسلی هستم که خیلی راحت با این شخصیت در کتاب رابطه برقرار می‌کنم. من نسل جنگ هستم. جنگ دیده‌ام و برایم این کار خیلی راحت است. خیلی دلم می‌خواهد که نسل جوان بتواند با این کتاب و این شخصیت رابطه برقرار کند، البته خیلی سخت است. آرزویم همین است که در این مسیر، کار شایسته‌ای کرده باشم.» نویسنده در پاسخ به این سؤال که چه بازه زمانی از زندگی شهید را به رشته تحریر در آورده‌است و شاهد چه سیر محتوایی در کتاب هستید، می‌گوید: «تمام دوران زندگی شهید از تولد تا لحظه شهادت در کتاب آمده است. سیر محتوایی کتاب هم به شکل زمان زندگی از لحظه تولد تا لحظه شهادت ایشان است. البته در کنارش سیر شکل‌گیری مراحل تحقیق و مصاحبه و ملاقات با دوستان و هم‌زمان شهید هم شرح داده شده‌است. مثلاً ملاقات با همسر شهید خیلی برایم ارزشمند بود. ملاقات با برادرزاده توسلی هم همچنین و گفت‌وگوهایی که با این عزیزان داشتم خیلی کمک‌کنک بود. از کتاب خاتون و قوماندان خانم قربان‌زاده هم استفاده کردم. البته خود سراسر کار خانم قربان‌زاده هم خیلی به من محبت کردند و کل مصاحبه‌هایی را که با خانم حسینی همسر شهید داشتند در اختیارم گذاشتند. من طی سفرهایی که داشتم مخصوصاً سفر به سوریه اطلاعات ذی‌قیمتی به دست آوردم. بیشتر اطلاعات از طریق مصاحبه با هم‌زمان و خانواده شهید به دست آمد.»

■ **۳سال تحقیق ونگارش**

این نویسنده دفاع قسمتی درباره متقن و مستند بودن مطالب کتاب ابوحامد می‌گوید: «کل مراحل تحقیق و نوشتن اثر حدود سه سال طول کشید. البته مصافحه نیست که بگویم تمام این سه سال را وقف تحقیق و نوشتن اثر کردم اما این مدت را درگیر تحقیق و نوشتن همین کتاب بودم. تنها منبعی



که می‌توانست دلم را به حقانیت و مستند بودن مطالب و مصاحبه‌ها محکم کند، صدق گفته‌های دوستان و البته مقایسه مطالب با هم بود که در جا احساس می‌کردم تلقفی هست، بیشتر دقت و سعی می‌کردم اصل مطلب و حقیقت مطلب را بگیرم و جویا شوم.»

■ **ناگفته‌هایی از تل‌قرین**

خطاره حضور نویسنده در «تل‌قرین» محل شهادت ابوحامد به همراه دوستان و هم‌زمانش، یکی از بهترین خاطرات ماندگار «در طول تدوین و نگارش کتساب خاطرات زیادی برایم رقم خورد. روزهای آخر سفر به سوریه به اتفاق جمعی از دوستان سپاه‌سفر یک روزای به «تل‌قرین» محل شهادت شهید توسلی داشتم. جایی نزدیک مرز سوریه و فلسطین اشغالی. بلندی‌های جولان درست مقابل نگاهم بود. شهید توسلی باعث شده بود یکی از آرزوهای دیرینم که دیدن این مناطق بلندی‌های جولان درست مقابل نگاهم بود. شهید توسلی بود محقق شود. البته خود تل‌قرین یک دنیا حرف‌های گفتن و نوشتن دارد. مکان غریبی بود، کوهستان بسیار گسترده و پررمز و راز است. خیلی خوب و دیدنی بود، لحناتی با خود

طراحی:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۷۷۳



اروزنامه جوان | شماره ۶۷۷۳

خلوت و فصل‌نهایی مستند راهمانجاد ذهنم طراحی کردم. تل‌قرین نزدیک محلی است که دست رژیم صهیونیستی است. تلاش برای آزادسازی تل‌قرین آخرین عملیاتی است که شهید توسلی و شهید فاتح معاونش در آن شرکت کرده و به شهادت رسیدند. به لحاظ مسائل استراتژیکی، فتح این قله برای سردار سلیمانی اهمیت زیادی داشت. فاتح با یک گروه ۱۲ نفری عازم عملیات می‌شوند و با حمل‌های ارعدآسا «تل‌قرین» خیلی زود به دست فاطمیون می‌افتد. کار خوب پیش می‌رود اما غروب فردای آن روز، دشمن با بر خورداری از پشتیبانی مستقیم از سرزمین‌های اشغالی دست به حمل‌های همه‌جانبه می‌زند. مدافعین فاطمیون مقاومت جانانه‌ای از خود نشان می‌دهند و اغلب‌شان شهید می‌شوند اما تل‌قرین را خالی نمی‌کنند! یکسری از صداهای ضبط شده صدای فاطمیون در این عملیات را گوش کرده‌ام که هنوز هم از یادآوری‌شان قلمم به درد می‌آید. آنجا که پشت بیسیم فریاد می‌کشند: «بچه‌ها مقاومت کنید، امشب شب آخر است!» در همین شب، در صحن‌های رزمنده‌ها ترسیده‌اند، می‌خواهند برگردند که می‌بینند شهید توسلی مثل یک کارگر به سرعت در حال چیدن گلوله‌های خمپاره است. وقتی رزمنده‌ها می‌بینند فرمانده‌شان چه می‌کند، شرمند شده و ادامه می‌دهند. اینها حتی دیگر آب آشامیدنی نداشتند اما ماندند و حماسه آفریدند که در نهایت موشکی به محل استقرار شهید توسلی و شهید فاتح اصابت می‌کند و شهید می‌شوند.»

■ **به کارگیری تجربه نبرد علیه طالبان در سوریه**

در ادامه نویسنده کلیاتی از کتاب را برایمان روایت می‌کند: «شهید توسلی در سن ۱۶ سالگی به ایران مهاجرت می‌کند. در حوزه علمیه نجفآباد اصفهان و بعد در قم مشغول تحصیل می‌شود. یک سال بعد به کردستان اعزام می‌شود و در جنگ علیه ضدانقلاب شرکت می‌کند. سپس به افغانستان می‌رود. در جنگ علیه طالبان در قالب سپاه محمد فعالیت بسیار چشمگیری از خود نشان می‌دهد. سال‌ها علیه طالبان می‌جنگد. تجربه‌ها و تخصص‌هایی که در این دوره کسب می‌کند، بعدها در جنگ سوریه به کارش می‌آید و باعث شکل‌گیری یگان نظامی فاطمیون می‌شود. در نهایت در بلندی‌های تل‌قرین نزدیک مرز سوریه و سرزمین‌های اشغالی به شهادت می‌رسد.»

■ **حسرت خوب باکری و همت بودن**

افهمی شاخصه‌های مهم این کتاب را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «مستندهای زندگینامه‌ای همیشه حرف‌های اساسی برای مخاطب داشته‌است. البته منظورم آن دسته از زندگینامه‌هایی است که پخته و منطقی تنظیم و تدوین شده‌است. مخاطب ضمن همذات‌پنداری با شخصیت مورد نظر و احساس شگفت‌زدگی از آن همه اینا، شجاعت و البته نبوغ و زرنگی، یک نوع خلأ مثبت در خود احساس می‌کند که این خوب است. مانظورم که من در سن ۱۵ سالگی و ۲۰ سالگی از شناختن شخصیت‌هایی مثل شهید همت، شهید باکری و امثالهم همیشه حسرت می‌خوردم که چگونه می‌توانم حداقل در مسیری که آنها قدم گذاشته‌اند قدم بگذارم. این حسرت و این افسوس به نظم مثبت و خوب است.»

■ **بادآزارام ورام‌نشدنی افغانستانی**

علت ناگناری کتاب به «بادهای سرکش مندوکش» از زبان این نویسنده شنیدنی است: «من به دلایل گوناگون این نام را برای کتاب انتخاب کردم.» باد «ششان همان سیالیت و در یکجا بنده نبودن شهید است.» «هندوکش» که وصل به فلات تبت و پامیر است از افغانستان شروع می‌شود که وطن شهید است. «سرکش» هم نشان از آن وجه شخصیت شهید دارد که هرگز رام‌شدنی نبود و تا آخرین لحظه طبق اعتقاداتی که داشت جنگید و یک لحظه هم عقب‌نشینی نکرد.»

■ **نگاهی از نویسنده در کتاب می‌ماند**

نویسنده در پایان از تعلق خاطر به اثرش می‌گوید: «افراد با تجربه، کتاب را پیش از انتشار خواندند. این اثر از صافی‌های بسیاری عبور کرد که اکنون در دست شماست. در حقیقت چیزی که به کتاب روح می‌دهد و باعث می‌شود کتاب ارزشمند و خواندنی شود، همان تکه‌باقیمنده از نویسنده در متن اثر است. نویسنده وقتی متن را می‌نویسد، شاید متوجه نشود اما برای همیشه یک تکه از وجودش را درون کتاب جامی‌گذارد و این تکه هرگز بر نمی‌گردد و اگر طی سالیانتمادی از اثر نویسنده تقدیر نشود، دیگر چیزی از نویسنده باقی نخواهد ماند. خیلی دوست دارم که همه اقصاار جامعه این کتاب را بخوانند. قشر خاصی مخاطب من نیست. ولی نسل جوان اگر مجذوب این کتاب شوند، احساس می‌کنم کار خودم را کرده‌وه به هدفم رسیده‌ام. امیدوارم این اتفاق بیفتد.»

			۳		۶	۵		۷	
			۲	۷		۳		۱	۶
					۸			۲	
					۲			۱	
					۴			۹	
					۱				
					۷			۹	
					۲			۴	

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹راطوری قرار دهیدکه

در هر ردیف،ستون ومرجع‌های کوچک‌سه‌درسه فقط یک‌بار به کارورند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۶۷۷۲**

۸	ب	ا	د	ه	۷	ا	س
ا	۷	د	ا	س	ب	ا	ه
ه	ا	س	ب	۷	ا	د	ا
ا	س	ا	ا	ا	ه	د	ب
۷	ه	ب	س	د	ا	ا	ا
ا	د	ا	ا	ب	۷	س	ا
د	ا	ا	۷	ا	ب	ه	ا
س	ا	ه	د	ا	ا	ب	۷
ب	ا	۷	ه	س	ا	د	ا

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	ب	و	س	ن	ی	و	ه	ز	ک	و	ی	ا	۲
۲	ی	ا	ت	ا	ل	ا	و	ی	ه	ا	ر	ش	۳	۴
۳	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۴	۵	۶
۴	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۵	۶	۷
۵	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۶	۷	۸
۶	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۷	۸	۹
۷	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۸	۹	۱۰
۸	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۹	۱۰	۱۱
۹	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۰	۱۱	۱۲
۱۰	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۱	۱۲	۱۳
۱۱	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۲	۱۳	۱۴
۱۲	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۳	۱۴	۱۵
۱۳	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۴	۱۵	۱۶
۱۴	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۵	۱۶	۱۷
۱۵	م	ش	ا	و	ر	س	ب	ا	و	ی	ا	۱۶	۱۷	۱۸

از راست به چپ

■ ۱- حفظ وحدت و همگرایی میان پیروان مذاهب اسلامی مهم‌ترین وظیفهٔ آنان است-
استاندار زمان هخامنشیان
■ ۲- بیماری مرگ سبز-
بایگانی- از نجاسات
■ ۳- سلاح جنگی و وسیله بازی-
حرف همراهی عرب-
پول کامبوج
■ ۴- پارچه کهنه-
زعفران-
تنظیم موتور خودرو
■ ۵- میوه تلفنی-
بزرگ‌ترین ایالت امریکا-
موش خرما
■ ۶- برکت سفره-
نام پاستور-
دستگاه تهویه مطبوع
■ ۷- پوست میش دباغی‌شده-
ذات و شخص-
چه کسی-
حرف خطاب
■ ۸- عاطفه و هیجان-
پرده پوشی
■ ۹- تشک موس-
دریا-
عدد نفس کش-
ضرورت ورزش تیراندازی
■ ۱۰- نوعی کباب-
ماندگار-
نهی از رفتن
■ ۱۱- مسجد و بازاری در شیراز-
از سیستم‌های عامل شناخته‌شده رایانه-
کتاب هندوان
■ ۱۲- معمولاً معدور-
رود مرزی لهستان و آلمان-
وارونه حله
■ ۱۳- محل دریافت مدال-
به دنیا آوردن-
مخله‌ای در اصفهان
■ ۱۴- عنصر شماره ۷۵-
بسیار سرخ-
هست آذری
■ ۱۵- از پرندهگان-
جنگ ایران و روم در زمان ساسانیان

از بالا به پایین

■ ۱- پدر والیبال-
بینایی‌سنجی
■ ۲- نام قدیم یمن-
حرف عط-
پایتخت بنگلادش-
رمق آخر
■ ۳- باشگاهی در فوتبال اسپانیا-
هراس-
شماره دروازه‌بان
■ ۴- مدافع فوتبال-
خسیس-
میوه باب‌گلو-
پر حرفی
■ ۵- یازده-
سومین شهر بزرگ اسپانیا-
نوعی استفاده
■ ۶- لطیف-
نوعی حلوا-
کتاب روسو
■ ۷- تابش الکترومغناطیسی که برای عکسبرداری از اندام‌های درونی استفاده می‌کنند-
سرگرد قدیمی
■ ۸- نماد لاغری-
ثابت و استوار-
راهب بودایی-
بنده و شما
■ ۹- جهاز عروس-
امام جعفر صادق(علیه‌السلام)
آنان را گنج‌های خداوند در زمین به‌شمار می‌آوردند(الفلآخون هُم الزَّارعونَ، (هَم) کُنُوْزُ اللهِ فِی اَرْضِه)
■ ۱۰- جلوه فرهنگستان-
چانه گیلائی-
مادر آذری
■ ۱۱- غذای مجردی-
گاهی روی کاسه است-
تصدیق انگلیسی
■ ۱۲- خیس-
استخوان زان-
مخفف هستم-
کار کننده
■ ۱۳- روزه-
کشتی جنگی-
از آثار شیخ بهایی
■ ۱۴- خط عابر پیاده-
مهد تمدن-
تنه درخت-
سیسم مثبت
■ ۱۵- قهرمان لیگ برتر کشورمان-
امتیازی در کاراته